

شیعه در لغت بر دو معنا اطلاق می‌شود، یکی توافق و هماهنگی دو یا چند نفر بر مطلبی، و دیگری، پیروی کردن فردی یا گروهی، از فرد یا گروهی دیگر. در زبان عربی در اصل به معنای یک، دو یا گروهی از پیروان است. در قرآن این لفظ چندین بار به این معنا به کار رفته‌است. برای نمونه در آیه ۱۵ سوره قصص درباره یکی از پیروان موسی از عنوان شیعه موسی و در جای دیگر از ابراهیم به عنوان شیعه نوح یاد می‌کند.^۴ در تاریخ اسلام لفظ شیعه، به معنای اصلی و لغوی‌اش برای پیروان افراد مختلفی به کار می‌رفت. برای مثال، گاهی از شیعه علی بن ابی‌طالب و گاهی از شیعه معاویه بن ابی‌سفیان نام برده شده. اما این لفظ به تدریج معنای اصطلاحی پیدا کرد و تنها بر پیروان علی که به امامت او معتقدند اطلاق می‌شود. و با تعالیم جعفر بن محمد به صورت یک مذهب مستقل درآمد.

«شیعه» در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و امامت بلافضل علی معتقدند، و بر این عقیده‌اند که امام و جانشین پیامبر اسلام از طریق نصّ شرعی تعیین می‌شود، و امامت علی و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نصّ شرعی ثابت شده‌است. همچنین است که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است:

ما نزد رسول الله بودیم که علی بن ابی طالب وارد شد در این هنگام پیامبر فرمودند: «قسم به کسی که جان من در قبضه‌ی قدرت اوست این مرد (اشاره به علی) و شیعه‌ی او روز قیامت رستگارانند» آنگاه بود که آیه خیرالبریه نازل شد.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (سوره ی بینة-آیه ی ۷)

باورها

باورهای سازمان‌یافته و کلامی شیعه امروز بر این است که تبیین و تفسیر امر دین پس از پیامبر و اداره امور مسلمانان بر عهده اشخاصی است، که از سوی خدا معین شده و دارای ویژگیهایی همچون عصمت و عدالت هستند، این افراد امام نامیده می‌شوند. نخستین امام شیعیان علی است. بر پایه باور شیعه، اصول دین شیعیان پنجگانه‌است و علاوه بر سه اصل دینتوحید، نبوت و معاد به دو اصل دیگر یعنی عدل و امامت نیز باور دارند. اصل عدل بین شیعیان و معتزله تا حدی مشترک است و اصل امامت ویژه این مذهب‌است. شیعیان همچنین مانند بسیاری دیگر از فرق اسلامی بر معاد جسمانی بسیار تاکید دارند و گرچه برخی شبهه‌ها و احتمالات درباره روحانی بودن معاد مطرح شده‌است، اما همواره از طرف علمای شیعه و سنی از جمله شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی و امام محمد غزالی جواب داده شده و بر جسمانی بودن معاد تاکید شده‌است، تا آنجا که ابن سینا با آنکه معاد را در دو صورت جسمانی و روحانی قابل تصور می‌داند، اما می‌گوید ... :معادی که در شرع نقل شده‌است، راهی برای اثبات آن جز از طریق شرع و تصدیق اخبار پیامبر نیست. و آن معاد نیست که برای بدن است. اگرچه قرن‌ها پس از وی، صدرالمتألهین شیرازی به اثبات آن فائق آمد ..